



• تصویرگر: ریحانه اسکندری

یک قلب مهربان

وقتی به میهن آمد
حرف از بهار می زد
حرف از امید و لبخند
از انتظار می زد

با حرف های گرمش
گل ها شکوفه دادند
با تکیه بر کلامش
یکباره ایستادند

مردی که در وجودش
یک قلب مهربان بود
در دست هایش انگار
یک تکه آسمان بود

پر زد ستاره شد رفت
امروز بی قراریم
ما میوه های شیرین
از باغ آن بهاریم

• اکرم السادات هاشمی پور

یک ستاره ی بزرگ...

برای حضرت امام جواد (ع)

فرق داشتی چقدر
با تمام بچه ها
چون که هیچ کس نداشت
علم و دانش تو را

یک ستاره ی بزرگ
در جهان شدی چه زود
حرف های تو خودش
یک کلاس درس بود

حرف های تو قشنگ
مهربانی ات زیاد
کاش دیده بودمت
ای امام من جواد (ع)!

• منیره هاشمی

سفره ی قلمکار

از اصفهان خریدیم
یک سفره ی قلمکار
جنس لطیف آن بود
از تار و پود چلوار

هم بُته جقه دارد
هم طرح غنچه و گل
حتی میان سفره
دیدم نشسته بلبل

این سفره در دل خود
عطر بهار دارد
یک حس شاعرانه
در لقمه می گذارد

• زهرا شفیعی پنگابادی

زیباتر از جواهر

مادر بزرگ دارد
یک جعبه‌ی عتیقه
ده چیز چیده در آن
بادقت و سلیقه

این جعبه‌ی عتیقه
از سال‌های دور است
روی درِ قشنگش
صد مهره‌ی بلور است

مثل طلا و نقره
این جعبه دارد ارزش
دیروز دیدم آن را
با التماس و خواهش

یک آدم هنرمند
با دست‌های ماهر
با چوب و رنگ ساخته
زیباتر از جواهر

● عبدالرضا صمدی

یک جای شاد

هم کاسکو داریم و بلبل
هم مرغ عشق و مرغ مینا
هم شاه طوطی، هم قناری
هم فنچ‌های ریز و زیبا

به شعر و به آواز آن‌ها
ما کرده‌ایم انگار عادت
فرقی ندارد خواب باشیم
یا وقت کار و استراحت

با من تماشای داشت امروز
یک دوست ساؤجبلای
در بین صحبت ناگهان گفت:
«در جنگلی؟! یا توی باغی?!»

خندیدم و گفتم که: «اینجا،
نه جنگل و نه باغ، خانه است
خانه نگو، تالار آواز
یک جای شاد و شاعرانه است»

● محمود پوروقاب